

۲۳۸۲۸



مقدمه

در شماره ۱۱۵ اشاره شد که اعمال و رفتار انسان دارای ظاهر و باطنی است. ظاهرش همان است که در این دنیا دیده می‌شود و باطن و حقیقت آن در عالم آخرت آشکار خواهد شد. گروهی از انسانها بر اثر اعمال نیک، چهره‌هایی نورانی و سفید دارند که در شماره قبل به آنها پرداخته و این عناصر به عنوان عوامل نورانی بودن چهره بررسی شد. طاعت خدا در تاریکی شب، وضو و روزه دارای، شیعه علی بودن، دوستی برای خدا، صلوات بر محمد و آل محمد، سخنان خوب و نیکو، عامل نورانی شدن

چهره در قیامت شمرده شد. در این شماره به بررسی سیاه چهرگان می‌پردازیم.

سیاه چهرگان

قرآن به این حقیقت اشاره دارد که ﴿تَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾؛ روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه شود. در دعای وضو نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وُجُوهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ...»؛ خدایا! صورتم را

۱. آل عمران/۱۰۶.

۲. من لا يحضره الفقيه، صدوق، دار الاضواء، بیروت، دوم، ۱۳۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۱.

ظهور و انعکاس اعمال در قیامت

سفید فرما در روزی که چهره‌ها در آن روز سیاه می‌شوند.

اموری که باعث می‌شود گروهی با چهره سیاه در قیامت ظاهر شوند، گاهی آموز اعتقادی و اصولی، و گاه انحرافات عملی و ارتکاب گناهان بزرگ، و زمانی عمل نکردن به وظایف اخلاقی و صنفی و گاه ... است. تلاش می‌کنیم اهم این امور را در چند بخش ارائه دهیم:

الف. اعتقادات

۱. افترا بستن بر خدا

افترای بر خدا نوعاً در بی‌اعتقادی به خداوند ریشه دارد. کسانی که خدا و اوصاف او را درست نشناخته‌اند، به افترا روی می‌آورند. خداوند متعال در قرآن کریم، باطن این افترا را این‌گونه ترسیم کرده است: ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾؛ «روز قیامت می‌بینی کسانی که بر خدا دروغ بسته‌اند، چهره‌هایشان سیاه است. آیا دوزخ جای متکبران نیست؟»

حضرت صادق علیه السلام در توضیح و تفسیر آیه فرمود، مراد این است که «مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قِيلَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالُوا وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا؟» کسی که ادعا کند امام (بر حق است) و حال آنکه امام نیست [این کار، افترا بر خدا است.] گفته شد: هر چند شخص مدعی، علوی نسب و فاطمی نسب باشد؟ حضرت فرمود: هر چند علوی تبار و فاطمی نسب باشد [باز هم با این مدعی کاذب با چهره سیاه وارد محشر می‌شود].

۲. کفر و بدعت‌گذاری

کفر، ظاهری دارد که همان انکار خدا و قیامت و شریک قائل شدن برای خداوند است؛ ولی باطن کفر، سیاهی و ظلمتی است که در عالم آخرت خود را نشان می‌دهد و همین طور بدعت‌گذاری در دین مشوش کردن چهره دین است که حقیقت آن

۲. تفسیر الصافی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م، ج ۴، ص ۳۲۷.

در روز قیامت به صورت سیاهی چهره نمودار می شود.

در قرآن کریم می خوانیم: ﴿تَوَمَّ تَبَيُّضٌ وَجُوهٌ وَتَسْوَدٌ وَجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾؛^۱ [آن عذاب بزرگ نفاق الکنان] روزی خواهد بود که صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه می شود؛ انا آنها که چهره هایشان سیاه شده [به آنها گفته می شود] آیا پس از ایمان کافر شدید؟ سپس (اکنون) بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید.

امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه چنین فرمود: «لَمْ أَهْلِ الْبِدْعِ وَالْأَهْوَاءِ وَالسَّارِءِ الْبَاطِلَةِ مِنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ آنها بدعتگزاران و هواپرستان و صاحبان آرای باطل از این امت هستند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست! برخی اصحاب من، کنار

۱. آل عمران/ ۱۰۶.

۲. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۶.

از آنچه خدا به او عطا کرده است، باید دریاره اهل بیت من به نیکی و خوبی رفتار کند و اگر کسی چنین نکند، خدا عمر او را کوتاه می کند و در روز قیامت با چهره ای سیاه بر من وارد می شود.

ابوذر نقل کرده است، وقتی آیه ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امت من روز قیامت با پنج (نوع) پرچم بر من وارد می شوند:

۱. پرچمی از گوساله پرستان این امت. پس من از آنها می پرسم: «پس از من با ثقلین (کتاب و عترت) بعد از من چه کردید؟» پس می گویند: «اما [نقل] اکبر [= قرآن] را تحریف [معنوی] کردیم و پشت سرمان انداختیم [و بدان عمل نکردیم] و انا [نقل] اصغر را [یعنی اهل بیت علیهم السلام] پس با او دشمنی کردیم و او را مبعوض دانستیم و در حق او ظلم و ستم روا داشتیم.» «فَأَقُولُ رُدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِلْمَاءَ مُظْلَمِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَكُمْ؛ پس من می گویم وارد جهنم شوید؛ در حالی

که تشنه هستید و چهره های شما سیاه شده است.»

۲. سپس پرچمی با فرعون این امت بر من وارد می شوند. پس می پرسم: «پس از من با ثقلین چه کردید؟» می گویند: «انا [نقل] اکبر را پس تحریف [معنوی] کردیم و پاره کرده، با آن مخالفت کردیم، و انا با [نقل] اصغر دشمنی کردیم و به قتل رساندیم.» «فَأَقُولُ رُدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِلْمَاءَ مُظْلَمِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَكُمْ؛ پس می گویم: وارد آتش شوید؛ در حالی که سخت تشنه و روسیاه هستید.»

۳. سپس پرچمی با سامری این امت بر من وارد می شوند. آن گاه می پرسم: «پس از من با ثقلین چه کردید؟» می گویند: «انا [نقل] اکبر را نافرمانی و رها کردیم (به آن عمل نکردیم) و انا [نقل] اصغر را خوار [و ذلیل]، و [حقشان را] ضایع کردیم.» «فَأَقُولُ رُدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِلْمَاءَ مُظْلَمِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَكُمْ؛ پس می گویم: با تشنگی شدید و روسیاهی وارد آتش شوید.»

۳. همان، ص ۳۶۹.

۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء

التراث العربی، بیروت، ج ۲۳، ص ۱۱۶.

دوستی اهل بیت عامل
اتصال به آنها است و عامل
نورانیت انسان می‌شود؛
ولی قطع رابطه و یا دشمنی
با اهل بیت عصمت و
طهارت علیهم‌السلام باعث سیاه
شدن چهره است

۴. آن‌گاه پرچم ذی‌الثدیبه با اولین
فرد از خوارج و آخرین آنها بر من
وارد می‌شوند. پس از آنها می‌پرسم:
«پس از من با ثقلین چه کردید؟»
می‌گویند: «اما [ثقل] اکبر را باز کردیم
و از آن بیزاری جستیم و اما [با ثقل]
اصغر جنگیدیم و کشته شدیم.» «فَأَقُولُ
رِدُّوا إِلَيَّ الشَّارِبَ ظِلْمًا مُظْمًينَ مُسْوَدًّا
وَجُوهَكُمْ؛ پس فرمان می‌دهم که وارد
آتش شوید؛ در حالی که سخت تشنه
و رو سیاه هستید.»

۵. آن‌گاه پرچم پیشرای متقین و
آقای وصیین ... و وصی رسول ربِّ
العالمین وارد می‌شود. پس می‌پرسم:

این روایات به خوبی نشان می‌دهد
کسانی که از مسیر اهل بیت علیهم‌السلام
منحرف شدند و از در ستیزه و دشمنی
با آنها وارد شدند روز قیامت با چهره
سیاه و ظلمانی محشور می‌شوند.
ب. اصل و رفتارهای ناروا
برخی اعمال زشت و گناهان
بزرگ، باطن انسان را تغییر می‌دهد و
باعث محشور شدن با چهره سیاه و
ظلمانی در روز قیامت می‌شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:
﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا
وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ
كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ
مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ﴾^۱ «و کسانی که مرتکب
گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن
دارند و ذلت و خواری چهره آنها را
می‌پوشاند و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را
از [مجازات] خدا نگه‌دارد،
[چهره‌هایشان آن‌چنان سیاه و تاریک
است که] گویی پاره‌هایی از شب

تاریک، صورت آنها را پوشانده است.
آنها یاران آتش‌اند و جاودانه در آن
خواهند ماند.»

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «أَمَّا تَرَى
الْبَيْتَ إِذَا كَانَ اللَّيْلَ كَانَ أَشَدَّ سَوَادًا
فَكَذَلِكَ هُمْ يَزْدَادُونَ سَوَادًا؛ آیا خانه را
دیده‌اید وقتی شب هنگام شود [و
چراغی روشن نباشد] به شدت سیاه
است. پس این گناهکاران نیز این گونه
بر سیاهی [چهره‌های] شان افزوده
می‌شود.»

از میان گناهان به برخی گناهان
کبیره و بزرگ به صورت ویژه اشاره
شده است که در سیاهی چهره‌های
گناهکاران، نقش خاصی دارد که به
اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. شراب‌خواری

هر چند پس از پیروزی انقلاب
بساط شراب‌خواری به صورت رسمی
جمع شده است؛ ولی در سالهای اخیر
کم‌کم این ماده خطرناک و «ام الفساد»

۱. یونس / ۲۷.

۲. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳.

در گوشه و کنار کشور راه پیدا کرده و در برخی مجالس و محافل، چهره نمایان کرده است که جا دارد خطر آن گوشزد شود.

امام باقر علیه السلام فرمود: «يَأْتِي شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًا وَجْهَهُ مَذْلَعًا لِسَانَهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ حَتَّى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَسْتَبِيَهُ مِنْ بَشَرٍ خَبَالٍ قَالَ قُلْتُ وَمَا بَشَرٌ خَبَالٍ قَالَ بَشَرٌ يَسِيلُ فِيهِ صَدِيدُ الزُّنَاةِ»^۱

شراب خوار در روز قیامت وارد محشر می شود در حالی که صورتش سیاه شده و زبانش از حلقومش خارج شده و آب دهانش بر سینه اش جاری شده است و بر خداوند است که او را از چاه خبال سیراب کند. راوی می گوید پرسیدم: چاه خبال چیست؟ فرمود: چاهی است که در آن، آب زناکاران ریخته می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «شَارِبُ الْخَمْرِ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًا وَجْهَهُ مَائِلًا شَقِيقًا»

۱. وسائل الشیعه، حرر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳۷، باب ۹ شریه محرمة، روایت ۲.

۲. همان، روایت ۳.

مَذْلَعًا لِسَانَهُ يُنَادِي الْقَطَشَ الْقَطَشَ! شراب خوار در روز قیامت وارد محشر می شود، در حالی که صورتش سیاه شده، و لب او آویزان شده و زبانش از دهانش بیرون آمده است. فریاد می زند: تشنه ام! تشنه ام!

۲. گواهی نایق و کتمان حق انکار حق، در واقع جلوگیری از تابش نورانیت حق است که برای انکار کنندگان تاریکی و ظلمت را در پی دارد.

هر کس به ناحق، گواهی و شهادت دهد، و یا در جایی که باید حق را اظهار کند آن را کتمان کند، اثرش این است که با چهره سیاه وارد محشر می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً أَوْ شَهِدَ بِهَا لِيُهْدَرَ لَهَا بِهَا دَمٌ أَمْرِي مُسْلِمٌ أَوْ لِيُزَوَى مَالٌ أَمْرِي مُسْلِمٌ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِيُوجَّهَ ظِلْمَةً مَذْأَبُ الْبَصْرِ وَ فِي وَجْهِهِ كُدُوحٌ تَقْرَفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَ نَسِيمِهِ وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِيُخْبِي بِهَا حَقًّا»

أَمْرِي مُسْلِمٌ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِيُوجَّهَ نُورٌ مَذْأَبُ الْبَصْرِ! کسی که شهادتی را مخفی کند (و به آن گواهی ندهد) یا به مطلب [باطلی] گواهی دهد تا خون مسلمانی را پایمال کند و هدر دهد و یا [باعث شود] مال مسلمانی را دیگری تصاحب کند، روز قیامت وارد می شود؛ در حالی که چهره اش تاریک [و سیاه] است تا آنجایی که چشم کار کند، و در صورتش زخمهایی دیده می شود که همه مردم او را [به عنوان گناهکار] با اسم و نسب می شناسند؛ ولی اگر کسی به حق شهادت دهد تا حق مسلمانی را زنده کند، روز قیامت وارد محشر می شود؛ در حالی که چهره اش نورانی دیده می شود تا آنجایی که چشم می بیند!

۳. تسوك تقية و اظهار اسرار اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای حفظ جان شیعه و ناموس و مال و اموال آنان، تقیه را تجویز کردند و

آن را در مواردی، واجب و ضروری دانستند. مراعات نکردن تقیه، در مواردی باعث سیاه شدن چهره می شود.

معلى بن خنيس می گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای معلى! اسرار ما را کتمان کن و آنها را نزد دشمن افشا مکن. هر کس اسرار ما را کتمان کند و افشا نکند، خدا او را در دنیا عزیز می کند و در آخرت بین دو چشم او نور قرار می هد تا به وسیله آن نور به بهشت رود.» و در ادامه فرمود: «يَا مَعْلَى مَنْ أَدَاعَ أَمْرًا وَ لَمْ يَكْتُمْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ وَ جَعَلَهُ ظَلَمَةً تَقْوَدُهُ إِلَى النَّارِ يَا مَعْلَى إِنَّ النَّعِيَةَ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي...»^۲ ای معلى! هر کس امر (و اسرار) ما را افشا کند و آن را پوشیده ندارد، خداوند او را در دنیا ذلیل و خوار می کند و در آخرت نور را از بین چشمهای او (و پیشانی او) می گیرد و برای او تاریکی قرار

۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۲۳، روایت ۸.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۲۷، باب ۲، روایت ۲.

می‌دهد که او را به سمت آتش جهنم می‌برد. ای معلی! تقيه کردن، جزئی از دین من و دین پدران من است.

۴. برآورده نکردن حاجت دیگران با قدرت و تمکن

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا مُؤْمِنٌ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُرَزَّكَ عَيْنًا مَقُولًا يَدَاهُ إِلَى عُنُقَيْهِ قِيلَ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ» هر مؤمنی منع کند مؤمنی را از آنچه نیاز دارد، با اینکه از ناحیه خود یا دیگری توان انجام آن حاجت را دارد، خداوند او را روز قیامت نکه می‌دارد، در حالی که صورتش سیاه، چشمهایش نابینا، دستانش بسته شده بر گردنش است. پس گفته می‌شود: این خائنی است که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است. سپس دستور داده می‌شود که داخل آتش شود.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۱۲، رسائل النعمه، ج ۱۶، ص ۲۸۷، باب ۳۹ و بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۳.

هر کس به ناحق، گواهی و شهادت دهد، و یا در جایی که باید حق را اظهار کند آن را کتمان کند، اثرش این است که با چهره سیاه وارد محشر می‌شود

۵. ناامید کردن از رحمت خدا امید به خداوند در واقع نوری در درون انسان است که انسان را به حیات و نجات امیدوار می‌کند. اگر کسی این نورانیت را از مردم بگیرد و مردم را از حیات و رحمت الهی ناامید کند، اثرش در آن فرد، این است که خود، دچار تاریکی و ظلمت می‌شود و نمود آن در قیامت، سیاهی چهره است.

از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَبْقَى اللَّهُ الْمُعْتَبِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُغْلَبَةً وَجُوهُهُمْ يَتْنِي حَلْبَةُ السَّوَادِ عَلَى الْبَيَاضِ قِيلَ لَهُمْ

مَوْلَاكَ الْمُعْتَبُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ خداوند روز قیامت، کسانی که مردم را [از رحمت خدا] مایوس کرده است، در حالی محشور می‌کند که سیاهی چهره آنها بر سفیدی آن غلبه دارد. به آنها گفته می‌شود که اینها همان کسانی هستند که [مردم را] از رحمت خدا مایوس کردند.

مایوس شدن از رحمت خداوند از گناهان بزرگی است که در قرآن به صراحت از آن نهی شده است. «لَا تَقْتُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»؛ «از رحمت خداوند ناامید نشوید».

همچنین ناامید کردن مردم از رحمت الهی، گناه و خلاف است. مبلغان و واعظان، بیشترین تلاششان باید این باشد که مردم را به رحمت خداوند امیدوار کنند؛ البته در کنار اینکه از عذاب الهی می‌ترسانند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «الْقَبِيهُ كُلُّ الْقَبِيهِ مَنْ لَمْ يَقْطَعْ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۵.

۲. زمر/ ۵۲.

لَمْ يُؤَيِّسْنَهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْتَهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ فقیه و دانشمند کامل کسی است که مردم را از رحمت الهی مایوس، و از عذاب و مکر الهی ایمن نکند.

۶. فخر فروشی

ملاک برتری نزد خداوند فقط به تقوا و عمل صالح است. نَسَبًا و قیافه و اموال، باعث برتری انسان نمی‌شود؛ از اینرو افتخار به این موارد، افتخار غیر واقعی است که باطن آن در روز قیامت به صورت سیاه شدن چهره انسان ظاهر می‌شود. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ صَنَعَ شَيْئًا لِلْمُقَاخَرَةِ خَشِرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ»؛ هر کس کاری را برای فخرفروشی انجام دهد، خداوند او را در روز قیامت با صورت سیاه محشور می‌کند.

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۹۲، ح ۲۰، منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ص ۴۰۲ و نواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۲۵۵.

است» و در حالی که پرده کعبه را گرفته بود، می گفت: «ای خدای صاحب این خانه! مرا ببخش و گمان نمی کنم مرا ببخشی...». سعید می گوید که گفتم: «چه گناهی مرتکب شده ای؟» گفت: «بند شلوار امام حسین علیه السلام را با قطع کردن دست او به غارت بردم...» از اینرو این گونه شدم...»



۱. بهار الاتوار، ج ۲۵، ص ۳۱۶ - ۳۱۹ با تلخیص.

ناامید کردن مردم از رحمت الهی، گناه و خلاف است. میلفان و واعظان، بیش ترین تلاششان باید این باشد که مردم را به رحمت خداوند امیدوار کنند؛ البته در کنار اینکه از عذاب الهی می ترسانند

حتی در همین دنیا نیز برخی از افراد که مرتکب گناهان فاحش شده اند به سیاهی چهره مبتلا گردیدند؛ از جمله سعید بن مسیب نقل کرده است که وقتی آقایم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، من در مکه، محضر علی بن حسین علیه السلام رسیدم. عرض کردم: «ای مولای من! هنگام حج فرا رسیده، چه دستور می دهید؟» فرمود: «تیت حج کن»، هنگام طواف خانه خدا مردی را دیدم که دستهایش قطع شده است و در وَجْهَهُ كَتَبَ اللَّيْلُ الظُّلْمُ؛ و صورتش مانند شب تار سیاه